

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

کتابخانه آیین و عقاید اسلامی

بازاندیشی در آیین استنباط

نگاهی به سیر تاریخی اصول فقه و رویکردهای نوین مصالح - مقاصد جوایانه و هرمنوتیکی



نشر نگاه معاصر

سید احمد کاظمی موسوی

فهرست

۷	مقدمه دکتر سید مصطفی محقق داماد
۹	پیش‌گفتار
۱۱	درآمد
۱۵	فصل یکم: پیدایش اصول فقه به عنوان آیین استنباط
۲۷	فصل دوم: رویکرد متکلمان معتزلی و اشعری به اصول فقه
۳۹	فصل سوم: کارکرد اصول فقه نزد حنفیان نخستین
۶۱	فصل چهارم: پذیرش اصول فقه در مذهب شیعه و پیشرفت آن
۶۹	فصل پنجم: پیشرفت نظری اصول فقه و کاربرد موازین منطق
۸۹	فصل ششم: راه یافتن ملاحظات اجتماعی در اصول فقه
۱۰۵	فصل هفتم: بازشناسی اصول فقه در دوره معاصر
۱۱۹	فصل هشتم: دور جدید اصول‌گرایی شیعه و گسترش اصول عملی
۱۴۳	فصل نهم: رویکردهای نوین در آیین استنباط
۱۷۵	فصل دهم: هرمنوتیک جدید و تبدل فهم‌ها در خوانش شریعت
۱۹۷	سخن پایانی
۲۰۳	منابع
۲۱۳	واژه‌نامه فارسی - انگلیسی
۲۲۷	نمایه

مقدمه

به قلم آیت‌الله دکتر سید مصطفی محقق داماد

۱. علم اصول، از جمله دانش‌های پرورش‌یافته در دامن ادبیات اسلامی است. هرچند که ممکن است که این علم را مجموعه‌ای برگرفته و التقاط‌شده از سایر علوم نظیر کلام، ادبیات عرب، فلسفه و فقه و جز آن بدانیم، ولی هرگز نمی‌توان ارزش والای حالت ترکیبی و امتزاجی آن را نادیده بگیریم. به هر حال اینک علم اصول روشی است که بدون به‌کارگیری آن هرگز اجتهاد و استنباط احکام شرعی امکان‌پذیر نخواهد بود.
۲. گفته می‌شود که بنیانگذار اولیه این دانش محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰-۲۰۴) بوده است. هرچند این مدعا با وجود روایات عدیده‌ی منقول از امام صادق (ع) (۸۳-۱۴۸) که در آنها به قواعد اصولی اشاره می‌شود، جای گفتگو دارد، ولی به یقین تحولات چشمگیر و رفای این دانش در اندیشه شیعی قابل مقایسه با سایر مکاتب اسلامی نیست. ناگفته پیداست که علت ایستایی آن در مکاتب اهل سنت، انسداد باب اجتهاد در قرون اولیه بوده است. حاکمیت روش تقلید از فقیهان پیشین و اجتناب از هرگونه نوآوری بی‌تردید موجب انزوای این دانش گردیده، ولی نمی‌توان انکار کرد که عالمان اهل سنت به دلیل دارا بودن سمت‌های قضایی از نزدیک با حوادث واقعه روزمره مواجه بوده و برای حل آنها در چارچوب موازین شریعت نهایت تلاش را نموده و به رغم توصیه به پیروی و تقلید از پیشینیان، قضات و داوران چاره‌ای جز به‌کارگیری قواعدی نظیر قیاس و یا تمسک به فلسفه شریعت تحت عنوان مقاصد الشریعة برای یافتن راه حل و برون‌رفت در پرونده‌های پیش روی خویش نداشته‌اند.
۳. باید دانست که کارایی قواعد اصول فقه تنها به محدوده صدور فتوای مفتیان منحصر